

معرفی کتاب

# از شک تا یقین

• زهره باقریگی

شیعی است. اما مراد نگارنده این نبوده...؛ نگارنده با سطره‌جویی فلسفه و تحکم آن و به چشم حقارت نگرستن فیلسوفان یا اهل فلسفه به اهل دیانت مخالف است و خواسته است عملاً به این مغالطه مشهور و مضمهر که عقل‌ورزی را عین فلسفه‌ورزی می‌گیرند کمابیش پایان دهد. وی در ادامه با بیان این سخن که اگر از عبارات و جملات این رساله شمیم عقل‌ورزی استشمام شود ولی فیلسوفانه نباشد، مؤلف به هدف خود رسیده، و نیز ضمن تأکید بر این امر که مطلق العنان و فعال مایشاء شدن فلسفه، مطمئناً به نفع اردوی دین و دین‌ورزان تمام نخواهد شد، می‌نویسد: «ما وظیفه داریم مؤمن باشیم، اما الزام نشده است که فیلسوف باشیم و گاه با خواندن یک دوره تاریخ فلسفه یا طی مقدمات در این رشته، فرشته و وحی و همه جهان غیب و غیب جهان را به استیضاح بکشیم و در ترازوی عقل ابزاری خویش بسنجیم و تأویلات من عندی که در قرآن کریم (آل عمران: آیه ۷) از آن نهی شده است؛ یعنی تأویل در خدمت اهواء از جمله اهواء و آرای فلسفی، عرضه بداریم... این رساله موضوعاً در حوزه فلسفه دین جای می‌گیرد و می‌خواهد اندکی در فعال مایشاء بودن فلسفه و وعده رنگین حل هر مشکل دادن را که فلسفه می‌دهد، یا این گونه وانمود می‌شود، شک کند».

رساله از شک تا یقین با پیشگفتاری در باب سبک نوشتاری مؤلف در سالهای اخیر، یعنی ساده‌نویسی و کمتر کردن فاصله و حجاب میان ذهن و زبان، آغاز می‌شود و مؤلف سپس به موضوع ایمان و شک، ماهیت، رابطه و درهم‌تنیدگی آنها می‌پردازد. وی پس از تعریف لغوی واژه «ایمان» و مجموعه‌ای از مباحث زبان‌شناختی درباره معادل پارسی آن، یعنی واژه «باور»، و نیز ذکر دو کلمه معروف انگلیسی belief و faith، رهیافت و راهبرد خویش را، بحث در مفاهیم و ماهیت ایمان و شک - و نیز



- از شک تا یقین (بر مبنای اصالت ایمان و استقلال معرفت‌شناسی دین)
- بهاء‌الدین خرمشاهی
- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف
- چاپ اول، ۱۳۸۴

از شک تا یقین عنوان رساله‌ای است نگاشته قرآن‌پژوه معروف معاصر، بهاء‌الدین خرمشاهی، که با محوریت نقد اصالت فلسفه و مخالفت با سیطره اندیشه فلسفی بر تفکر دینی تحریر یافته است. مؤلف خود در آغازین نوشته این رساله که عنوان «پیش از هر چیز» را برای آن برگزیده، چنین آورده است: «ممکن است این تصور برای بعضی از خوانندگان پیش آید که فروگذاردن و دست‌کم گرفتن جانب فلسفه تا بدین حد و قول به اصالت ایمان به نحوی شبیه به عاشق شدن و نیز پرچم استقلال معرفت‌شناسی دین را برافراشتن، در نهایت تضعیف سنت عقل و عقل‌ورزی سنتی



روشنمند می‌پردازد. مؤلف در این جُستار از مصادر تفسیری مهمی چون: جامع البیان طبری، کشف زمخشری و تفسیر کبیر فخر رازی و منابع لغوی ارزنده‌ای چون النهایه ابن اثیر جزری و فروق اللغات جزایری بهره برده است.

مهم‌ترین فصل این نوشتار که مدعای مؤلف ضمن آن شرح و بسط داده شده، فصلی است ذیل عنوان «ایمان یعنی ایمان به غیب (بخشی از دیدگاه اصالت ایمان)». مؤلف در این فصل بر مطالبی تأکید کرده است که به طور خلاصه عبارت است از:

- بنا و مبنای ایمان، صرفاً عقل استدلالی نیست؛ زیرا اگر چنین بود نباید یک عاقل بدون ایمان، لااقل ایمان قلبی پیدا شود. از سوی دیگر اگر ایمان باعقل فردی و جمعی قابل جمع نبود، در این صورت نباید یک عاقل مؤمن یا مؤمن عاقل یافت شود.
- عقل شریف‌ترین توانش وجود آدمی است که دانش و صناعات به بار می‌آورد و در حکم منطق سرشته در سرشت انسان است.
- اهمیت گزاف و انحصاری دادن به عقل را حتی خود عقل

واژگان کلیدی دیگر - معنی‌گرایانه و از منظر فلسفه وجودی یا اگر بیستاسیالیسم معرفی می‌کند، که با برخورد کل و کلی مفاهیم و معانی مهم با کلیت ذهن و آگاهی انسانی سروکار دارد، نه بحث‌های جدل‌گونه اسکولاستیک یا مدرسی.

مؤلف با بیان این مطلب که تعریف حداقلی ایمان از نظر اسلام، «باور داشتن غیب» است، ضمن برشماری مصادیق «غیب»، ارتباط مفاهیمی چون، «معجزه»، «کرامت» و «سحر (= جادو)» را با آن روشن می‌سازد. البته وی این تعریف را، کامل و جامع نمی‌داند و با استفاده از آیات قرآن، عهدین (= تورات و انجیل) و کتب و حیانی یا الهامی یا ادبیات قدسی سنت یهودیت و مسیحیت از دیدگاه خود تعریف کامل ایمان را چنین می‌داند: باور به غیب که در کانون آن خداوند است و یگانه و قادر مطلق و عالم مطلق و زنده و گویا و شنوا و بینا [و سایر صفات ثبوتی، یا نداشتن صفات سلبی] دانستن او، و نیز باور به رابطه قلبی شهودی بین خداوند و انسان که در سه پدیده معنوی وحی، نبوت - که از نظر ما شیعیان در امامت تداوم می‌یابد - و دعا و نیایش و سپس باور داشتن به موجودات قدسی و غیبی از فرشتگان، کتابهای آسمانی، جلوه‌گر است؛ نیز باور به آخرت و عوالم اخروی (وجود عرش الهی، لوح محفوظ و حساب و کتاب و عالم برزخ، حیات روح پس از جدایی از بدن به هنگام مرگ، تا قیام قیامت و وجود بهشت و دوزخ و اعراف).

مؤلف در ادامه به بیان موضوع مراتب ایمان و تفاوت این مفهوم با «اسلام» می‌پردازد و سپس با اشاره به ارتباط تنگاتنگ مفاهیم «اخلاص» و «نیت پاک» با ایمان، ضمن تصریح بر مقوله «تشکیکی بودن» مفهوم «ایمان»، احادیثی مانند «مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ» یا «لَوْ كَشِفَ الْعِطَاءُ مَا ازْدَدْتُ يَقِينًا» را بر این مسئله شاهد می‌آورد.

موضوع دیگری که مؤلف در ادامه نوشتار خود بدان پرداخته، مقوله «شک» است. وی تصریح می‌کند آن چه بحث وی را در این باره از دیگر مباحث تازه‌تر و متفاوت می‌سازد، این نظر و نظریه است که ایمان و شک از هم جدایی‌ناپذیرند و شک در ساختمان ایمان دخیل است.

وی سپس با بیان مباحث مقدماتی و واژه‌شناسی درباره «شک» و تقسیم آن به دو نوع مسئولانه یا دستورمند و روشنمند و دیگری غیرمسئولانه و شیطنت‌آمیز، به تحلیل و بررسی داستان شک حضرت ابراهیم (ع)، به عنوان نمونه یک شک مسئولانه و

تصویب نمی‌کند؛ زیرا در وجود آدمی و جامعه انسانی راهها و توانشهای معرفت‌بخش دیگری هم هست.

● فلسفه به تعریفی که حتی خود فلاسفه و سپس فیلسوفان علم از علم به دست داده‌اند، «علم» نیست؛ یعنی احکامش جز در استدلالات تحلیلی و ضروری و درست بنیاد، ضرورت و اتقان نهایی ندارد.

● ابن خلدون می‌نویسد: دانش فلسفه تنها دارای یک ثمره است که عبارت است از: تشحیذ ذهن در ترتیب دلایلها و حجتها برای به دست آوردن ملکه نیکو و درست در براهین.

● موضوع فلسفه [در آغاز] هستی و حتی انواع آن بود؛ ولی رفته‌رفته و به تدریج علوم مختلف از آن جدا شدند. ابتدا منطق خرج خود را از فلسفه جدا کرد، سپس روانشناسی، آنگاه زیبایی‌شناسی، سپس ریاضیات و هندسه. و پیش از آنها طبیعیات از فلسفه جدا شد.

● پدید آمدن فلسفه‌های موضوعی یا مضاف یک حسن اتفاق فرهنگی در تاریخ فلسفه است.

● فلسفه پیش از این است نه دانش.

● اشکال فلسفه در پرمدهایی آن است و اینکه هر چیز را موضوع بررسی خود و خود را در هر دعوی، دادگاه صالح می‌داند.

● چه بسیار فلسفه‌دوستان تصور می‌کنند فلسفه مشکلاتشان را حل می‌کند؛ حال آن که آنها باید مشکلات فلسفه و مشکلاتی را که فلسفه به بار آورده حل کنند.

● بسیاری از مسائل عمده فلسفه، خاستگاه یا ماهیت دینی داشته است؛ از جمله: ۱. بحث از خدا، ۲. بحث از حدوث و قدم جهان، ۳. بحث از اختیار آدمی. از سوی دیگر فلسفه هم قوه تحلیل انسان را در خدمت فهم بهتر این سه مبحث بزرگ قرار داده است.

● نازکاندیشیهایی فلسفی در عمل باعث نشده که دینداران فلسفه‌دان، دین‌شناس شوند.

● اینکه هر نوع عقل‌ورزی برابر با فلسفه باشد، مغالطه و سفسطه‌ای بیش نیست.

● نه عقل عملی اخلاق را پدید آورده و نه اخلاق عقلی عملی را؛ هر دو در طبیعت آدمی نهاده شده است.

● اخلاق چندان مهم است که فرهنگ و حتی دین با همه قداستش در خدمت آن است.

● حکمت هرگز به معنای فلسفه نیست و حکیم هرگز معنای

فیلسوف را نمی‌رساند.

● فلسفه پروای ازل و ابد ندارد، اما ادعاها و مدعاهای ازلی و ابدی دارد.

● احکام اخلاقی، عبادی و فقهی قرآن درهم تنیده است. از اخلاقی بودن تا ایمان داشتن یا هیچ فاصله نیست، یا بسیار اندک است.

● نحوه نگرش و نگاه به جهان هستی است که برخی از فیلسوفان و دانشمندان را با ایمان و برخی را بی‌ایمان ساخته است.

● فلسفه با عقل و تعقل یکی نیست و موافق و مخالف فلسفه هر دو می‌توانند خردمند و دانشمند باشند.

● به سه دلیل از ایمان فلسفی و رویکرد فلسفی به ایمان انتقاد می‌کنیم: ۱. گزاف‌اندیشی فلسفه و فیلسوفان و اینکه مجذوب و مرعوب اصطلاحات خودساخته فلسفی و فنی شده‌اند و گمان می‌کنند حقیقت و واقعیت تابع تحلیل آنهاست. ۲. در برابر شرع حالت تسلیم و فروتنی ندارند و یکایک اقلام ایمان و آورده‌های شرع را در ترازوی تحلیل و تعقل خود می‌سنجند. ۳. منابع شناخت را محدود به عقل، آن هم نه عقل عرفی عادی بلکه عقل فنی فلسفی می‌کنند؛ حال آنکه منابع شناخت مهم دیگری چون وحی، شهود، گرایش قلبی، تجربه دینی و عرفانی و... نیز وجود دارد.

● اگر خدا پی بردن به وجودش را موقوف به دانش فلسفی و عقل فلسفی و تلاش فیلسوفان کرده بود، - به جای پیامبران، اولیای دین و روحانیان عادی که همه زبان مردم را خوب می‌فهمند و همگان هم زبان آنها را خوب درمی‌یابند - به واقع تکلیف شاق و امر مالا یطاق شمرده می‌شد.

● دین از شناخت‌شناسی (Epistemology) مانند فلسفه، اخلاق، هنر و علم، دارای استقلال معرفت‌شناسانه (Epistemological Autonomy) است؛ یعنی برای اطمینان از صدق و صحت دستگاه معنوی و دنیوی دین، نیازی به تأییدیه‌ای از هیچ جانب نداریم.

● مکتب تفکیک به حق مکتبی پیش‌تاز در تنقیح مناط معارف دینی و غیردینی؛ از جمله فلسفی و عرفانی است و نخستین مکتب اسلامی - ایرانی است که قائل به استقلال معرفت‌شناسی دین است.

● نظرگاه «تحلیل طبیعی» نامناسب‌ترین روش یا نگرش به دین و دین‌پژوهی است.